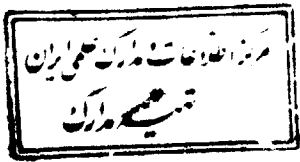


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۵۴۵۵

۲۰ / ۱۵ / ۱۳۲۸



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه

برای دریافت درجه دکتری علوم سیاسی

نظریه‌های بحران و بحران دولت در ایران ۵۷-۱۳۴۲

با تکیه بر نظریه کلاوس آف

استاد راهنما

دکتر ناصر هادیان

۳۵۵۱۱

اساتید مشاور

دکتر محمد هادی سمتی و دکتر حمید احمدی

نگارش عباس کشاورز شکری

تیر ماه ۱۳۷۸

۲۵۴۵۵

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم به مادر مهربانم سرکار خانم اعظم السادات فرید محسنی که همواره پاسدار
زندگیم بوده است و به پدر بزرگوام جناب آقای کرم رضا کشاورز قاضی عالی رتبه
دادگستری که هر آنچه دارم مدیون فداکاری‌ها و ایثار ایشان است و به همسر مهربانم
خانم مریم کشاورز که در باز نویسی و بازخوانی این رساله مرایاری فراوان کرده‌اند و
به برادران ارجمندم جنابان آقایان دکتر عبدالکریم کشاورز و دکتر علی کشاورز که
جمع‌آوری بسیاری از منابع این رساله بدون تلاشهای ایشان میسر نمی‌شد.

تهران، تابستان ۱۳۷۸

عباس کشاورز

فهرست مطالب

مقدمه	الف
فصل اول: نظریه‌های بحران	(۱)
مقدمه	(۱)
گفتار اول: بحران سرمایه‌داری مدرن و نظریه بحران	(۲)
مقدمه	(۲)
ماهیت بحران	(۳)
بحران جهانی	(۳)
بحران امری ذاتی سرمایه‌داری	(۴)
علایم بحران	(۴)
تفاسیر مختلف درباره‌ی وضع بد اقتصادی	(۶)
روی کارآمدن راست نو در ایالات متحده و اروپا و اقدامات آنها	(۷)
دیدگاههای اقتصادی راست درباره بحران	(۸)
دیدگاههای سیاسی راست درباره بحران	(۹)
نظریه دولت پر مسئولیت	(۹)
گفتار دوم: نظریه بحران اقتصادی	(۱۱)
مقدمه	(۱۱)
سه مفهوم بحران از نظر نثوارتدکس ها	(۱۳)
نظریه‌های نثوارتدکس بحران اقتصادی	(۱۴)
۱- نظریه اضافه تولید سرمایه	(۱۴)
۲- نظریه نرخ تنزلی سود	(۱۶)
دولت و بحران اقتصادی	(۲۰)
دیدگاه اشتقاق‌گرای هیرش درباره دولت سرمایه‌ای	(۲۴)
اجزاء صورت بندی هیرش از دولت سرمایه‌داری	(۲۵)
گفتار سوم: نظریه بحران سیاسی و اجتماعی	(۲۷)
مقدمه: مروری بر معانی مختلف بحران سیاسی و اجتماعی	(۲۷)
نظریه بحران و آگاهی انقلابی	(۳۴)
نظریه‌های نثومارکسیستی بحران اجتماعی	(۳۱)
۱- جامعه و فرهنگ و فرآیند انباشت سرمایه	(۳۷)

۲- دولت و انباشت سرمایه	(۳۸)
۳- جامعه و فرهنگ اداره شده	(۴۰)
نتیجه گیری	(۴۴)
گفتار چهارم: بحران شخصیت	(۴۵)
مقدمه	(۴۵)
نظریه‌های فرهنگی درباره بحران شخصیت	(۴۵)
معنای بحران شخصیت از دیدگاه‌های بیولوژیکی	(۴۸)
سرمایه‌داری مدرن و بحران شخصیت	(۵۰)
پی‌نوشت‌ها	(۵۲)
فصل دوم: بحران از دیدگاه کلاوس آفه	(۶۴)
گفتار اول: آفه و رهیافت تحلیل نظام‌ها	(۶۴)
مقدمه: آفه و معنای بحران	(۶۴)
روش‌شناسی تحلیل نظام‌ها	(۶۴)
نقطه عزیمت در روش شناختی تحلیل نظام‌ها	(۷۲)
قدرت نظام و بازارکار	(۷۴)
نظریه آفه در مورد دولت در سرمایه‌داری متأخر	(۸۰)
ماهیت طبقاتی دولت	(۸۱)
مفهوم دولت سرمایه‌داری	(۸۴)
محدودیت‌هایی که بر دولت تحمیل می‌شود	(۸۷)
گرایش‌های بحرانی دولت رفاهی	(۹۰)
بحران مالی دولت	(۹۱)
بحران‌های عقلانیت و مشروعیت بخشی	(۹۳)
بحران انگیزش	(۹۵)
بحران چه هنگام پدید می‌آید	(۹۶)
نتیجه‌گیری	(۱۰۱)
گفتار دوم: نقد رهیافت تحلیل نظام‌ها	(۱۰۱)
نو محافظه‌کارها و تحلیل نظام‌ها	(۱۱۱)
پی‌نوشت‌ها	(۱۱۳)
فصل سوم: طرحی برای تبیین آسیب‌پذیری دولت بهلوی: جرح و تعدیل نظریه کلاوس آفه	(۱۱۷)

مقدمه	(۱۱۷)
ساخت عقب مانده اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران	(۱۲۶)
رشد روابط سرمایه‌داری در ایران	(۱۲۶)
الف - استنتاج دولت پیرامونی پهلوی از شرایط عام بازتولید سرمایه‌داری	(۱۲۷)
۱- دولت پهلوی و شرایط باز تولید وابسته به بازار جهانی	(۱۲۷)
۲- دولت پهلوی و تعدد شیوه‌های تولید	(۱۲۹)
ب - کار ویژه‌های متناقض دولت پیرامونی پهلوی	(۱۲۹)
۱- تضمین ادغام در بازار جهانی	(۱۳۰)
۲- استقرار قوانین عام مبادله	(۱۳۱)
۳- تضمین نیروی کار	(۱۳۴)
۴- تضمین شرایط عام و مادی تولید	(۱۳۴)
ج - ابزار عملکرد دولت پهلوی	(۱۳۵)
۱- پول	(۱۳۶)
۲- قانون	(۱۳۷)
۳- ایدئولوژی و مشروعیت دولت پهلوی	(۱۳۷)
۴- قهر	(۱۳۸)
سازماندهی و عملکرد دولت پهلوی	(۱۳۸)
الف - دستگاه دولتی	(۱۳۸)
ب - طبقه دولتی	(۱۳۹)
ج - شکل نهادی دولت پهلوی	(۱۴۰)
پی نوشت‌ها	(۱۵۱)
فصل چهارم: ویژگی‌های جامعه پیرامونی ایران	(۱۵۴)
مقدمه	(۱۵۴)
چگونگی ادغام ایران در بازار جهانی: تعدد شیوه‌های تولید و طبقات اجتماعی در ایران	(۱۵۴)
ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره ما قبل سرمایه‌داری ۱۱۷۹-۹۷۹ ش	(۱۵۵)
ساختار اجتماعی ایران در قرن هفتم میلادی یا ایران ما قبل سرمایه‌داری	(۱۵۶)
ظهور سلسله قاجاریه ۱۳۰۴-۱۱۷۹: صورت‌بندی اجتماعی ایران در عصر قاجاریه	(۱۵۷)
توسعه اجتماعی و اقتصادی داخلی	(۱۵۹)
۱- بخش کشاورزی (شیوه تولید زراعی سهم بری)	(۱۵۹)
۲- بخش شهری (شیوه تولید خرده کالایی)	(۱۵۹)

۳- بخش عشیرتی	(۱۵۹)
تحول صورت بندی اجتماعی در ایران در سالهای ۱۲۹۳ - ۱۱۷۹	(۱۶۰)
طبقه اجتماعی در دوره قاجاریه	(۱۶۲)
۱- طبقه سرمایه دار	(۱۶۲)
۲- طبقه اشراف زمیندار	(۱۶۵)
۳- خرده بورژوازی	(۱۶۶)
۴- دهقانان	(۱۶۶)
۵- ایلات و عشایر	(۱۶۷)
۶- طبقه کارگر	(۱۶۷)
صورت بندی اجتماعی ایران در دوره پهلوی اول ۱۳۲۰ - ۱۳۰۴	(۱۶۷)
نتیجه گیری	(۱۷۳)
پی نوشت ها	(۱۷۹)
فصل پنجم: دولت بوروکراتیک اقتدارگرا در ایران	(۱۸۲)
مقدمه	(۱۸۲)
۱- سیاست زدایی و سرکوب	(۱۸۳)
۲- بوروکراسی	(۱۸۴)
۳- تدارکات نظامی در ایران	(۱۸۹)
دولت ایران : وابستگی در مقابل استقلال	(۱۹۰)
نتیجه گیری	(۱۹۲)
پی نوشت ها	(۱۹۳)
فصل ششم: غالب شدن شیوه تولید سرمایه داری: کارویژه های متناقض دولت پهلوی	(۱۹۴)
مقدمه	(۱۹۴)
کارویژه های دولت پهلوی دوم	(۱۹۵)
کارویژه های تضمین ادغام در بازار جهانی و استقرار روابط سرمایه دارانه	(۱۹۶)
کارویژه تضمین نیروی کار	(۱۹۹)
کارویژه تضمین شرایط عام و مادی تولید	(۱۹۹)
کارویژه مشروعیت بخشی	(۲۰۰)
رشد روابط سرمایه داری در ایران تا پایان سال ۱۳۵۶	(۲۰۴)
تحولات اقتصادی	(۲۰۶)
نقش دولت در استقرار سرمایه داری در ایران: برنامه ریزی اقتصادی دولتی در ایران	(۲۰۸)

(۲۱۰)	برنامه‌ریزی در ایران
(۲۱۰)	برنامه اول (۱۳۳۴-۱۳۳۷)
(۲۱۲)	برنامه دوم (۱۳۴۱-۱۳۳۴)
(۲۱۶)	برنامه سوم (۱۳۴۷-۱۳۴۱)
(۲۲۹)	برنامه چهارم (۱۳۵۲-۱۳۴۷)
(۲۳۰)	سیاست جایگزینی واردات
(۲۳۳)	صنعت و سرمایه‌گذاری صنعتی
(۲۳۳)	تأمین بین‌المللی سرمایه و توسعه صنعتی
(۲۳۵)	توسعه صنعتی
(۲۳۶)	وابستگی و آسیب‌پذیری
(۲۳۷)	برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۵۶)
(۲۴۱)	نفت و اقتصاد ایران
(۲۴۸)	طبقات اجتماعی در دوره پهلوی دوم
(۲۵۶)	کارویژه تأمین هزینه‌ها
(۲۵۸)	ابزار عملکرد دولت پهلوی
(۲۵۸)	۱- سیاست‌های پولی
(۲۶۰)	۲- قهر و سرکوب
(۲۶۱)	۳- ایدئولوژی
(۲۶۵)	نتیجه‌گیری: بحران چه هنگام پدید آمد
(۲۶۸)	اقتصاد ایران در یک چشم‌انداز مقایسه‌ای
(۲۷۱)	پی‌نوشت‌ها
(۲۷۹)	سخن پایانی
(۲۹۴)	منابع

فهرست جداول و نمودارها

- نمودار یک: مدلی برای توضیح انقلاب اسلامی ایران (ت)
- نمودار دو: رابطه دولت و طبقات اجتماعی در ایران در دوره پهلوی دوم (ر)
- نمودار ۱-۱- حکومت پر مسئولیت: بحران دولت رفاهی لیبرال دموکرات (۱۰)
- نمودار ۱-۲- نظریه بحران مارکس (۱۷)
- نمودار ۲-۱- سه خرده نظام و روابط متقابل بین آنها (۶۸)
- نمودار ۲-۲- مدل تحلیل نظام‌های سرمایه‌داری متأخر (۷۹)
- نمودار ۲-۳- بحران مشروعیت بحران دولت سرمایه‌داری و دموکراتیک (۱۰۲)
- نمودار ۳-۱- صورت بندی اجتماعی و اقتصادی (۱۵۰)
- نمودار ۴-۱- صورت بندی اجتماعی ایران در قرن هفدهم میلادی (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ ش) (۱۵۸)
- نمودار ۴-۲- صورت بندی اجتماعی ایران در حوالی سال ۱۱۷۹ ش (۱۶۱)
- نمودار ۴-۳- صورت بندی اجتماعی ایران در سال ۱۹۱۴ م (۱۶۴)
- جدول ۴-۴- استخدام کارگران در فعالیتهای برگزیده اقتصادی شهری در ایران در حدود سال ۱۲۸۹ (۱۶۹)
- نمودار ۴-۵- ساخت بازار دهه ۱۳۱۰ ش (۱۷۲)
- نمودار ۴-۶- صورت بندی اجتماعی ایران در سال ۱۳۲۰ ش (۱۷۴)
- جدول ۵-۱- بخش خصوص در مقابل بخش عمومی ۱۳۵۴ - ۱۳۳۸ (۱۸۵)
- جدول ۵-۲- سرمایه‌گذاری خصوصی، عمومی و کلی در صنعت و معدن در طول برنامه‌های ۳ و ۴ و ۵ (۱۸۷)
- جدول ۵-۳- فروش تسلیحات نظامی بر ایران ۱۳۳۴-۵۷ (۱۹۱)
- جدول ۵-۴- هزینه‌های نظامی حکومت ایران ۱۳۴۹-۵۶ (۱۹۲)
- نمودار ۶-۱- مناسبات وابسته میان کشورهای مرکزی و پیرامونی (۱۹۸)
- نمودار ۶-۲- صورت بندی اجتماعی ایران در سال ۱۳۵۶ (۲۰۹)
- جدول ۶-۳- هزینه‌های پیش‌بینی شده در طول اولین برنامه هفت ساله (۲۱۱)
- جدول ۶-۴- پیش‌بینی درآمدهای برنامه هفت ساله عمرانی اول (۲۱۲)
- جدول ۶-۵- اعتبارات برنامه دوم و عملکرد مالی آن (۲۱۳)
- جدول ۶-۶- درآمدها و هزینه‌های دیگر در برنامه دوم (۲۱۴)
- جدول ۶-۷- اعتبارات مصوب و پرداختی فصول برنامه سوم (۲۱۷)
- جدول ۶-۸- درآمد و هزینه‌های سرمایه‌گذاری سازمان برنامه در طول برنامه سوم (۲۱۸)

- جدول ۹-۶- تشکیل سرمایه در بخش‌های مختلف ایران سالهای ۴۷-۱۳۴۲..... (۲۲۰)
- جدول ۱۰-۶- مالکیت زمین پیش از اصلاحات ارضی..... (۲۲۳)
- جدول ۱۱-۶- سهم واحدهای زراعی مختلف در مازاد پیش رانت ملی..... (۲۲۶)
- جدول ۱۲-۶- منابع اعتبارات کشاورزی برای کشاورزان..... (۲۲۷)
- جدول ۱۲-۶- اعتبارات مصوب و پرداختی برنامه عمرانی چهارم..... (۲۳۱)
- جدول ۱۳-۶- تقسیم تشکیل سرمایه ثابت تخمین زده شده در طول برنامه چهارم..... (۲۳۲)
- جدول ۱۴-۶- درآمد و هزینه‌های سازمان برنامه در طول برنامه چهارم عمرانی..... (۲۳۲)
- جدول ۱۵-۶- بانک‌های عمده تخصصی و بازرگانی با مالکیت خارجی در ۱۳۵۴..... (۲۳۸)
- جدول ۱۶-۶- ویژگی‌های بانک‌های ایرانی با مالکیت مختلط بر اساس توزیع سهام..... (۲۳۹)
- جدول ۱۷-۶- وام‌های مصوب بانک توسعه صنعت و معدن ایران..... (۲۴۰)
- جدول ۱۸-۶- تجارت خارجی ایران به عنوان بخشی از تولید ناخالص ملی..... (۲۴۲)
- جدول ۱۹-۶- ارزش واردات مواد غذایی ۵۶-۱۳۴۹..... (۲۴۳)
- جدول ۲۰-۶- توزیع اعتبارات دولت طی برنامه پنجم..... (۲۴۴)
- جدول ۲۱-۶- درصد سهم درآمدهای نفتی و مالیاتی در کل بودجه دولتی در سه دوره..... (۲۴۷)
- جدول ۲۲-۶- افزایش درآمد نفت..... (۲۴۷)
- جدول ۲۳-۶- ارزش صادرات ایران طبق نوع تولید..... (۲۴۸)
- نمودار ۲۴-۶- علل عدم رشد بورژوازی در ایران..... (۲۵۱)
- جدول ۲۵-۶- وابستگی و آسیب‌پذیری برای شمار برگزیده‌ای از کشورها..... (۲۷۱)

مقدمه

طرح مسئله پژوهش

انقلاب اسلامی ایران (سال‌های ۵۷-۱۳۵۶) به عنوان یکی از جالب‌ترین و در عین حال غیر قابل پیش‌بینی‌ترین پدیده‌های سیاسی اجتماعی در دهه‌های اخیر تلقی می‌شود. انقلاب اسلامی ایران در جامعه‌ای رخ داد که دارای اقتصاد ناموزون و سلطه‌پذیر از اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بود. برخی از صاحب‌نظران عقیده دارند اقتصاد ایران در سال‌های قبل از انقلاب، اقتصادی سرمایه‌داری و از نوع پیرامونی بوده است. اگر سرمایه‌داری را نظامی بدانیم که در آن عوامل تولید، زمین و کار بتوانند در اختیار بخش خصوصی قرار گیرند و مانند کالا و اجناس در بازار مبادله گردند^(۱) و کارگران شهری قسمت اعظم نیروی کار را تشکیل دهند، بدیهی است که شیوه تولید ایران در دوره قبل انقلاب هر چه بیشتر بر مبنای اصول سرمایه‌داری و صنعتی شدن ایران عمیقاً به نظام جهانی وابسته بوده است.

اما چون سلطه‌پذیری از نظام اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و اقتصاد ناموزون از جمله عوامل اقتصادی اجتماعی هستند که می‌توان آنها را تقریباً به تمام جوامع پیرامونی تعمیم داد، این عوامل به تنهایی نمی‌توانند علل قاطع انقلاب اسلامی ایران محسوب شوند. آنچه که باعث تشخیص انقلاب ایران می‌شود، دولتی است که آشکارا نقش عمده‌ای در صنعتی کردن این کشور بر عهده داشته است. از آنجایی که دولت تنها دریافت‌کننده درآمد نفت بوده و درآمد نفت بخش عمده بودجه دولت و مبادلات خارجی را تشکیل می‌داد، نفوذ دولت در بسیاری از مسایل تعیین‌کننده بود، مثلاً اینکه بر روی کدام پروژه سرمایه‌گذاری گردد و یا کدام گروه اجتماعی امتیاز دسترسی به امکانات مصرفی بیشتر را داشته باشد. کشورهای مرکز (Core) نظام جدید جهانی (Modern World System) می‌توانستند نفوذ خود را در زمینه اقتصادی از طریق بازار نفت و سرمایه‌گذاری در ایران و در زمینه نظامی از طریق فروش اسلحه اعمال دارند. حکومت مرکزی عامل مهمی بود که وسیله مداخله کشورهای مرکز را در کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در ایران فراهم می‌آورد.^(۲)

حضور دولت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی جامعه ایران به قدری زیاد بود که هر فعالیتی خارج از دستگاه دولتی به سختی می‌توانست به صورت مستقل انجام گیرد. با فرض حضور گسترده دولت در تمام جنبه‌های زندگی، به راحتی قابل درک است که مبارزات سیاسی بطور فزاینده‌ای شکل یک رابطه متقابل بین حکومت مرکزی و گروه‌های سازماندهی شده را به خود می‌گرفت. این امر بیشتر در نقاط شهری به تحقق می‌پیوست، زیرا تمام طبقات اجتماعی خواستار دست یافتن به موقعیت خوب اجتماعی در زندگی روزانه بودند و در بیشتر مواقع برآورده کردن خواسته‌های متفاوت و متعارض آنها جز با مداخله دولت میسر نبود.^(۳) البته اگر یک حزب واحد حاکم باشد یا یک فرد مثلاً یک پادشاه برای مدت زیادی رشته امور را در دست داشته باشد، مخالفت مستقیماً علیه آن فرد یا آن حزب خواهد بود، زیرا مخالفان به سهولت می‌توانند آنها را به عنوان منشاء اصلی رنج‌های مردم معرفی کنند. به عقیده سعید امیر ارجمند، در بین رژیم‌های سیاسی دنیای مدرن، حکومت پادشاهی نسبت به انقلاب بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است، زیرا نارضایتی عمومی به روی یک فرد واحد متمرکز می‌شود.^(۴)

بنابراین با توجه به مطالب فوق، برای تبیین انقلاب اسلامی ایران می‌توان به مجموعه‌ای از علل اشاره کرد و مدعی شد که تقارن تاریخی این علل (Conjunction) باعث انقلاب در سال ۱۳۵۷ در ایران شده است. این علل عبارتند از وجود یک جامعه مدنی نیمه متشکل که بر اساس شبکه‌های سنتی به هم ارتباط یافته بودند، جو مساعد بین المللی، تأثیرپذیری سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران از نظام جهانی مدرن و وجود یک دولت سرمایه‌داری نیمه پیرامونی رانتیه* و نئوپاتریمونیا^۵ آسیب‌پذیر. حال اگر مفروضه (Assumption) ما این باشد که "از علل تحقق انقلاب اسلامی در ایران، آسیب‌پذیری دولت بود" پرسش اصلی این پژوهش آن است که "چرا دولت ایران آسیب‌پذیر بوده است؟" (به مدل صفحه بعد نگاه کنید)

فرضیه اصلی پژوهش

فرضیه اصلی این پژوهش چنین است:

دولت سرمایه‌داری پیرامونی رانتیه پهلوی می‌بایست از یک سو انباشت سرمایه (داخلی و خارجی) را تضمین کند و به تقاضاهای طبقات بورژوازی داخلی و خارجی پاسخ گوید و منافع آنان را تأمین کند و هم هزینه‌های عظیم بوروکراتیک را فراهم آورد و از سوی دیگر برای جلب رضایت طبقات فرودست، سیاستهای رفاهی و توزیعی را در پیش بگیرد. شکست در این سیاستها دولت را دچار بحران و

* Rentier به معنای کسی که در آمد و از راه اخذ اجاره، سود سهام و مانند آن تأمین می‌شود و این واژه از زبان فرانسوی به انگلیسی آمده است و تلفظ صحیح آن رانتیه/Rāntiyey است.

آسیب‌پذیر کرد.

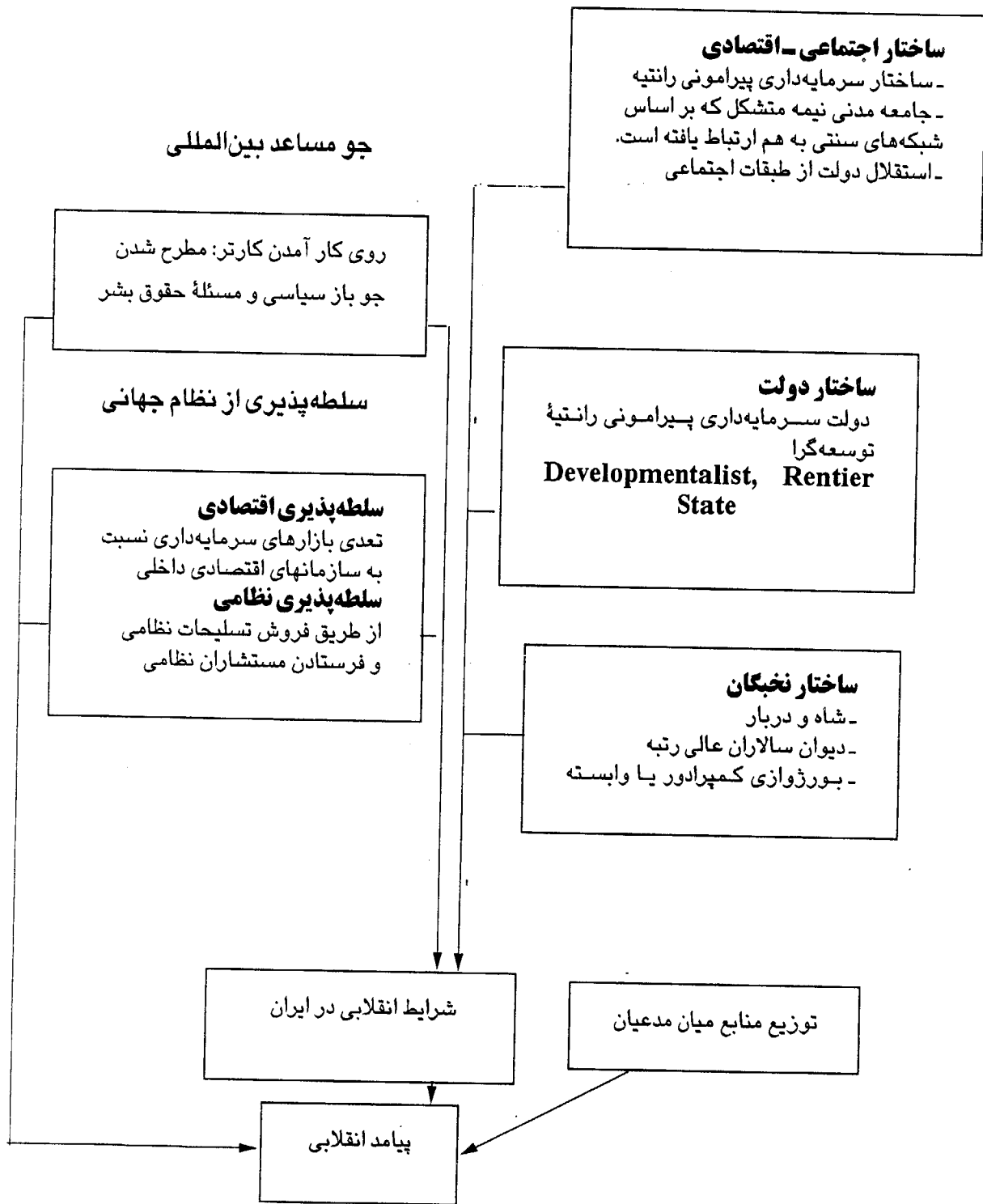
تعریف عملی متغیرهای دخیل

۱- دولت سرمایه‌داری پیرامونی: در چارچوب نظریه نظام جهانی مدرن والرستین، می‌توان گفت ایران که در قرون شانزدهم، هفدهم و هجدهم، در عرصه خارجی روابط بین‌المللی قرار داشت، در خلال قرن نوزدهم به پیرامون نظام جهانی سرمایه‌داری منتقل شد. بدین ترتیب ایران که در اوج درخشش دوران صفوی بخشی از یکی از مراکز غیر اروپایی نظام جهانی بود، به پیرامون رانده شد. ایران اواخر دوره قاجار، آشکارا با تعریف والرستین از پیرامون همخوانی دارد: "پیرامون اقتصاد جهانی آن بخش جغرافیایی است که تولید در آن بطور عمده محدود به تولید کالاهای کم مرتبه است - به این معنا که به نیروی کار تولید کننده این کالاها پاداش بالنسبه اندکی تعلق می‌گیرد - اما بخشی تفکیک‌ناپذیر از نظام کلی تقسیم کار است." گسترش مبادله مواد خام ایران - تریاک، پنبه، برنج، گندم، تنباکو، خشکبار و دانه‌های خوراکی، ابریشم و پشم - با محصولات ساخته شده اروپایی و سلطه اروپا در کار مبادله، تعرفه‌ها و حمل و نقل، جملگی شاخص‌های روشن این الگوی حاشیه‌ای شدن و وابستگی است.^(۵)

۲- دولت رانتیه: که در این پژوهش آن را نوعی از دولت‌های سرمایه‌داری پیرامونی می‌دانیم، یعنی دولتی که صادرات نفت سهم عمده‌ای از صادرات مواد خامش را به کشورهای مرکز تشکیل می‌دهد. هنگامی که عواید نفتی تا حدی افزایش یابد که دست کم، ده درصد تولید ملی را تشکیل دهد، استقلال غیر عادی اقتصادی و سیاسی دولت را از نیروهای مولد و طبقات اجتماعی فراهم می‌آورد. بارزترین ویژگی تولید، صدور و درآمد نفت آن است که جز در مراحل اولیه تقریباً هیچ احتیاجی به ابزار تولید بومی و مشارکت نیروی کار بومی ندارد. در نتیجه دولت مجبور نیست که مانند دیگر کارهای تولیدی تحت حاکمیت دولت، درصد زیادی از درآمد را به عنوان مزد و هزینه بازگرداند. لذا دولت درآمد نفت را صاحب می‌شود و عواید نفت نوعی بهره مالکانه است که یکجا و مستقیماً به دولت پرداخت می‌شود^(۶) و دولت این درآمدها را دریافت و خرج می‌کند. این امر پیامدهای مهمی را با خود همراه دارد. نخست آنکه درآمدهای عمومی درصد بسیار بالایی از درآمد ملی را تشکیل می‌دهد. دوم، این درآمدها نه ناشی از دریافت‌های مالیاتی معمولی از بخش‌های داخلی است و نه مانند کشورهای سوسیالیستی حاصل درآ - های بنگاه‌های اقتصادی عمومی.

به عبارت کلی‌تر، نوعی وضع منحصر به فرد - تقریباً بی‌هیچ مشابهی در طول تاریخ - وجود دارد

نمودار یک: مدلی برای توضیح انقلاب اسلامی ایران*



*. این مدل را گلدستون با نام "تحلیل اسکاچپول در مورد انقلاب" در مقاله خود آورده است که نگارنده با جرج و تعدیل بسیار، از آن برای توضیح انقلاب اسلامی ایران استفاده کرده است.

Jack Goldstone, "Theories of Revolution: The Third Generation", *World Politics*, Vol.32(April 1980), P.441.

که در آن شکوفایی و پیشرفت اقتصادی تا حد زیادی مستقل از مازاد اقتصادی تولید شده در داخل و حجم آن است. هر چند دولت، مصرف کننده، سرمایه گذار و کارفرمای اصلی است ولی برای حفظ سطح بالایی از هزینه‌ها (مستقیم یا غیر مستقیم) به ابزارهای داخلی تولید وابسته نیست. در واقع، جایگاه تاریخی دولت بازگونه شده است. این بخش‌های اقتصادی داخلی از جمله بخش خصوصی است که از لحاظ دریافتی‌های مستقیم و غیر مستقیم رفاهی و از طریق هزینه شدن درآمدهای نفتی توسط دولت، وابسته به دولت است. از همین ساز و کار ساده، دولت به تنها سرچشمه قدرت اقتصادی و اجتماعی مبدل می‌شود. قدرتی که از تلاش‌های تولیدی جامعه نیز مستقل است. بر همین اساس دولت گرایش پیدامی‌کند تمامی حقوق و وظایف را در چنگ خود گیرد، و در نتیجه بر قالب و محتوای ساختار و مناسبات اجتماعی - اقتصادی اثر گذارد. (۷)

۳- طبقات کارگر و بورژوازی و خرده بورژوازی: طبقات را نمی‌توان خارج از فرآیند مبارزه طبقاتی تعریف کرد. به این تعبیر طبقات ساختهای ایستایا جایگاههای مشخصی در ساخت ایستای جامعه نیستند. نمی‌توان گفت طبقات اول و جز: دارند و سپس وارد مبارزه طبقاتی می‌شوند. طبقات اجتماعی همان اعمال طبقاتی یعنی مبارزه طبقاتی هستند.

بورژوازی بر حسب مالکیت اقتصادی (عینی نه حقوقی) وسایل تولید و سلطه عملی بر آنها تعریف می‌شود نه بر حسب مقوله حقوقی مالکیت. بورژوازی کنترل واقعی وسایل تولید را در اختیار دارد و می‌تواند شیوه عملی بهره‌برداری از آن را تعیین کند. این کنترل واقعی ضرورتاً انطباقی با مالکیت حقوقی ندارد. در سرمایه‌داری، بورژوازی هم مالکیت اقتصادی و هم کنترل عملی وسایل تولید را در دست دارد. در زمینه چنین بحثی است که می‌توان جایگاه طبقاتی مدیران را نیز مشخص کرد. از آنجا که این طبقه کارویژه‌های اساسی سرمایه‌داران را انجام می‌دهد، بنابراین دارای همان جایگاه و موقعیت طبقاتی است و قطع نظر از وضعیت حقوقی مالکیت، جزیی از بورژوازی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، هر گروهی که در موقعیت و جایگاه ساختاری طبقه سرمایه‌دار قرار گیرد و کارویژه‌های آن طبقه را انجام دهند جزء آن طبقه به شمار می‌رود.

خرده بورژوازی جدید که بتدریج جانشین خرده بورژوازی سنتی در فرآیند رشد سرمایه‌داری می‌شود شامل کارمندان، کارکنان و صاحبان حرفه‌های جدید می‌شود. خرده بورژوازی جدید، در سرمایه‌داری پیشرفته، از حیث اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک از طبقه کارگر مجزا می‌شود. از نظر اقتصادی، خرده بورژوازی جدید، کار غیر مولد انجام می‌دهد، در حالیکه طبقه کارگر کار مولد عرضه می‌کند. از نظر سیاسی، خرده بورژوازی جدید بر خلاف کارگران تحت سرپرستی و نظارت سرکوبگرانه قرار ندارد. خرده بورژوازی جدید کار فکری انجام می‌دهد، در حالیکه کارگران کار بدنی انجام می‌دهند. خرده بورژوازی جدید به لحاظ ایدئولوژیک با خرده بورژوازی سنتی وحدت دارد. یعنی با اینکه این دو متعلق به دو وجه تولید متفاوت هستند، ولی نسبت به مبارزه طبقاتی اصلی در